

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روایاتی که مربوط بود به اینکه بقاء بر جنابت عمداً تا طلوع فجر موجب بطلان صوم می شود خواندیم و اما در مقابل روایات متعددی وجود دارند که دلالت دارند بر اینکه این کار ضرری به روزه نمی رساند و موجب بطلان صوم نمی شود که تعداد این روایات از روایاتی که دال بر بطلان هستند کمتر نیست و حتی در بین آنها روایات صحیح هم وجود دارد که دلالت دارند بر اینکه اگر کسی در ماه رمضان عمداً باقی بر جنابت باشد تا طلوع فجر روزه اش صحیح می باشد فلذا باید ببینیم که چطور باید از این روایات جواب بدهیم .

خوب همانطور که عرض کردیم این اخبار نوعاً در باب ۱۳ از ابواب مایمسک عنه الصائم ذکر شده اند ، خبر اول باب این خبر است : « محمدبن علی بن الحسین باسناده عن ابن ابی نصر ، عن ابی سعید القمط ، أنه سئل أبو عبدالله (ع) عن من أجنب فی اول اللیل فی شهر رمضان فنام حتی أصبح ؟ قال : لاشئ علیه ، و ذلك أن جنابته کانت فی وقت حلال . » ابو سعید القمط توثیق نشده و این خبر دلالت دارد بر اینکه اگر شخصی جنب شد و بعد بدون اینکه غسل کند تا صبح خوابید اشکالی ندارد و روزه اش صحیح می باشد .

خبر دوم باب این خبر است : « و باسناده عن العیص بن القاسم ، أنه سأل أبا عبدالله (ع) عن الرجل ینام فی شهر رمضان فیحتلم ثم یتقیظ ثم ینام قبل أن یتغسل ؟ قال : لا بأس . »

اسناد شیخ به عیص صحیح است و خودش هم بسیار خوب می باشد البته این روایت تصریح ندارد به اینکه این عمل در شب واقع شده باشد ولی همین عیص بعداً یک خبر دیگری را نقل می کند که آن خبر تصریح به این مطلب دارد .

خبر چهارم باب این خبر است : « محمدبن الحسن باسناده عن أحمدبن محمدبن عیسی ، عن عبدالرحمن بن ابی نجران ، عن صفوان بن یحیی ، عن عیص بن القاسم قال : سألت أبا عبدالله (ع) عن رجل أجنب فی شهر رمضان فی اول اللیل فأخر الغسل حتی طلع الفجر ؟ قال : یتم صومه و لا قضاء علیه . » این خبر سنداً صحیح می باشد و تصریح به مانحن فیه دارد .

خبر پنجم باب این خبر است : « و عنه ، عن النوفلی ، عن صفوان بن یحیی ، عن سلیمان بن ابی زینب قال : کتبت إلی ابی الحسن موسی بن جعفر (ع) أسأله عن رجل أجنب فی شهر رمضان من اول اللیل فأخر

الغسل حتی طلع الفجر؟ فکتب (ع) إلی بخطه أعرفه مع مصادف : یتغسل من جنابته و یتم صومه ولاشئ علیه . سلیمان بن ابی زینب توثیق نشده و خبر از جهت او ضعیف می باشد و همانطور که می بینید حضرت در جواب سائل نوشته اند ؛ یتغسل من جنابته و یتم صومه ولاشئ علیه بنابراین دلالت خبر واضح و روشن است .

خبر ششم باب این خبر است : « و عنه ، عن سعد بن اسماعیل ، عن أبیه (عن) إسماعیل بن عیسی قال : سألت الرضاع (ع) عن رجل أصابته جنابة فی شهر رمضان فنام حتی یصبح ، أی شئ علیه ؟ قال : لا یضره هذا (ولا یفطر ولا یبالی) ، فإن أبی (ع) قال : قالت عائشة : أن رسول الله (ص) أصبح جنباً من جماع غیر احتلام ، قال : لا یفطر و لا یبالی ، و رجل أصابته جنابة فبقی نائماً حتی یصبح ، أی شئ یجب علیه ؟ قال : لاشئ علیه یتغسل... الحدیث . » این خبر هم برمانحن فیه دلالت دارد و حتی در این خبر ذکر شده که العیاض بالله پیغمبر (ص) هم همین طوری بوده اند ، بالاخره در این باب ۸ خبر آمده است که دلالت دارند بر اینکه اگر کسی جنب شد حتی در اول شب و تا طلوع فجر غسل نکرد روزه اش صحیح می باشد .

خبر بعدی که بر مانحن فیه دلالت دارد خبر ۵ از باب ۱۶ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد ، خبر این است : « و باسناده عن سعد ، عن محمدبن الحسین و محمدبن علی ، عن محمدبن عیسی ، عن أحمدبن محمدبن ابی نصر ، عن حمادبن عثمان ، عن حبیب الخثعمی ، عن ابی عبدالله (ع) قال : کان رسول الله (ص) یصلی صلاة اللیل فی شهر رمضان ثم یجنب یؤخر الغسل متعمداً حتی یطلع الفجر . » این خبر سنداً صحیح می باشد و بر مانحن فیه دلالت دارد .

خوب این اخباری که خواندیم متضمن مطالبی است که با فقه ما و با عقیده ما سازگار نیست زیرا نماز شب بر پیغمبر (ص) واجب بوده بنابراین چگونه می شود که ایشان در اول شب جنب می شدند و نماز شب هم می خواندند اصلاً نمی شود با حالت جنابت نماز شب خواند فلذا به اندازه ای این مطلبی که به پیغمبر (ص) نسبت داده شده سخیف است که صاحب جواهر در این رابطه می فرمایند حتی یک انسان متدین هم مثل این کار را انجام نمی دهد چگونه ما می توانیم آن را به پیغمبر (ص) نسبت بدهیم مثلاً در خبر ۳ از باب ۱۳ از ابواب مایمسک عنه الصائم که قبلاً خواندیم مطلب بسیار عجیبی در مورد پیغمبر (ص) ذکر شده است چرا که حتی افراد متدین هم همچنین کاری را انجام نمی دهد چه برسد به پیغمبر (ص) ، و از طرفی در آخر روایت هم گفته شده ؛ ولا أقول کما تقول هؤلاء الأقباش که أقباش یعنی انسانی که محتوی

ندارد و موقعیت ندارد و در مجمع البحرین گفته شده أقشاب جمع قشب است و هو من لآخر فیه من الرجال ، خلاصه امام (ع) می فرماید که من آن طوریکه أقشاب می گویند نمی گویم یعنی من مثل أقشاب که می گویند باید بعداً یک روز روزه بگیرد نمی گویم یعنی روزه اش درست است خلاصه صاحب جواهر در ص ۱۰۶ از جلد ۱۷ جواهر می فرماید که چگونه می شود ما این کار را به پیغمبر (ص) نسبت بدهیم در حالی که بعید است این کار از کسی که ادنی تدبیری دارد سرزند و بعد ایشان در ادامه کلامشان می خواهند این روایات را توجیه کنند مثلاً می گویند منظور خواب عمدی نمی باشد و یا اینکه منظور فجر کاذب است نه فجر صادق که البته توجیهاتی که می کنند بعید است و ما باید درباره این روایات بگوئیم که چون موافق مذهب عامه هستند باید آنها را حمل بر تقیه کنیم .

خوب از نظر ما این اخبار چند اشکال دارند اول اینکه این اخبار معرض عنه هستند فلذا ما اطمینان به صدور خبر نداریم و اطمینان هم در جایی حاصل می شود که فقهای ما از خبری اعراض نکرده باشند یعنی همانطوری که اگر فقهای ما به خبری عمل کنند هرچند که ضعیف باشد برای ما اطمینان حاصل می شود در مقابل اگر از خبری اعراض کنند هرچند که صحیح باشد برای ما اطمینان حاصل نمی شود بنابراین طبق مبنای ما مطلب روشن است ولی آیت الله خوئی چون مبنای ما را قبول ندارند به سراغ تقیه رفته اند ولی ما از دو جهت جواب می دهیم هم از جهت اعراض مشهور فقهاء از این اخبار و هم از جهت حمل بر تقیه ، چرا که سنی ها آن قداستی که ما برای پیغمبر (ص) قائلیم را قائل نیستند و مطالبی درباره پیغمبر (ص) می گویند که ما آنها را قبول نداریم مثلاً می گویند که عده ای از سودان آمده بودند و در مسجد مدینه با حالات طرب انگیزی می رقصیدند و پیغمبر (ص) ملاحظه کرد که عائشه می خواهد از خانه خودش آنها را ببیند ولی قدش نمی رسد فلذا پیغمبر (ص) او را بر دوش خودش سوار کرده تا رقص و آواز آنها را ببیند ( نستجیر بالله والحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولاية علی بن ابی طالب وأولاده المعصومین علیهم السلام ) خلاصه سنی ها از این قبیل مطالب درباره پیغمبر (ص) زیاد گفته اند علی ای حال ما این اخبار را نمی توانیم قبول کنیم و قائلیم که این اخبار محمول بر تقیه می باشند زیرا جمیع علمای اهل سنت قائلند که بقاء عمدی بر جنابت تا صبح موجب بطلان روزه در ماه رمضان نیست و از طرفی هم اهل بیت (ع) در زمانی زندگی می کرده اند که گاهی از اوقات ناچار بوده اند حکمی را طبق مذهب آنها بیان کنند تا اینکه تشیع حفظ شود و مضافاً اینکه چونکه از عائشه اسم برده شده معلوم می شود مسلماً از باب تقیه بوده .

خوب مطلب دیگری که در اینجا وجود دارد این است که آیا تعدد بقاء بر جنابت تا طلوع فجر فقط مختص به روزه ماه رمضان و قضای آن می باشد یا اینکه این مطلب در طبیعت صوم شرط است و در نتیجه شامل تمام روزه ها می شود ؟ تمام روایاتی که تا به حالا خواندیم مربوط به ماه رمضان بود و حالا می خواهیم برویم به سراغ قضای ماه رمضان ، درباره قضای ماه رمضان چند مطلب و دلیل وجود دارد که باید به آنها توجه داشته باشیم اول اینکه فقهای ما قائلند که اداء با قضا در کل احکام شریک هستند إلا ما خرج بالدلیل زیرا قضاء اتیان به همان شیء اداء می باشد فقط وقتش با اداء فرق دارد فلذا اگر ما ثابت کردیم که بقاء عمدی بر جنابت تا طلوع فجر در ماه رمضان موجب بطلان صوم می شود در قضای رمضان هم باید مبطل باشد ، ثانیاً روایاتی است که ما در این رابطه داریم که صاحب جواهر آنها را در باب ۱۹ از ابواب مایمسک عنه الصائم ذکر کرده است و خبر اول باب این خبر است : « محمد بن علی بن الحسین باسناده عن عبدالله بن سنان ، أنه سأل أبا عبدالله (ع) عن الرجل يقضي شهر رمضان فيجنب من اول الليل ولا يغتسل حتى يجرئ آخر الليل و هو يرى أن الفجر قد طلع ؟ قال : لا يصوم ذلك اليوم ويصوم غيره » . خبر سنداً صحیح می باشد و بر مانحن فیه دلالت دارد . خبر دوم از این باب هم بر مانحن فیه دلالت دارد ، خبر این است : « محمد بن یعقوب ، عن محمد بن یحیی ، عن أحمد بن محمد ، عن الرجال ، عن ابن سنان - یعنی عبدالله - قال : كتب أبي إلى أبي عبدالله (ع) و كان يقضي شهر رمضان و قال : إنني أصبحت بالغسل و أصابتي جنابة فلم اغتسل حتى طلع الفجر؟ فأجابته (ع) : لا تصم هذا اليوم و صم غداً » . حجاج اسمش عبدالله بن محمد اسدی می باشد و نجاشی درباره او گفته است ثقة ثقة ثبت که دوبار گفتن ثقة یعنی اینکه در اعلا درجه وثاقت قرار دارد و ثبت هم یعنی کسی که خیلی مواظب است هر چیزی که شنیده ضبط و ثبت و نگهداری کند .

خبر سوم باب این خبر است : « محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد ، عن عثمان بن عيسى ، عن سماعة بن مهران قال : سألته عن رجل أصابته جنابة في جوف الليل في رمضان فنام و قد علم بها و لم يستيقظ حتى أدرکه الفجر؟ فقال (ع) : عليه أن يتم صومه و يقضي يوماً آخر فقلت إذا كان ذلك من الرجل و هو يقضي رمضان؟ قال : قال : فليأكل يومه ذلك و ليقض فإنه لا يشبه رمضان شيء من الشهور » . عثمان بن عيسى واقفی و ثقة و درباره سماعه هم باید عرض کنیم که معمولاً روایاتش مضمهره هستند ولی در حکم مسند می باشند ، دلالت روایت برمانحن فیه مشخص است و در آخر روایت هم یک جمله ای

آمده است (وليقض فإنه لا يشبه رمضان شيء من الشهور) که استفاد از آن که بطلان صوم به سبب بقاء عمدی بر جنابت تا طلوع فجر مختص به رمضان و قضای آن می باشد و در غیر از این دو اشکالی ندارد که البته بعداً درباره این جمله بحث خواهیم کرد .

خوب صاحب عروة می فرمایند که این حکم مخصوص به رمضان و قضای رمضان می باشد حالا شما درباره این مطلب فکر کنید تا فردا ببینیم آیا واقعاً این طور است یا نه . ...

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

